

■ شناخت و بررسی ملفوفه فرمان در دوره قاجار

علیرضا نیک‌نژاد | مرتضی نورانی | مرتضی دهقان‌نژاد

■ چکیده

هدف: هدف اصلی این نوشتار، شناخت و تحلیل یکی از اسناد سلطانیات عصر قاجاری، یعنی ملفوفه فرمان و تبیین اهمیت تاریخی این سند در پژوهش‌های سیاسی، اجتماعی، ملکی، و حقوقی ایران دوره قاجار است.

روش/ رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر، با روش توصیفی تحلیلی-تاریخی باتکیه بر اسناد پایگاه‌های آرشیوی و متون اصلی انجام گرفته است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: یکی از منابع و سرچشمه‌های مهم که از متن و محتوای آن می‌توان داده‌های باارزشی از تاریخ اجتماعی و سیاسی و حقوقی را بازیابی کرد، ملفوفه فرمان و دستخط‌ها هستند که منعکس کننده اوضاع سیاسی، ملکی، حقوقی، و قضایی عصر قاجار هستند. ملفوفه فرمان دارای دو جنبه محرمانه و اطلاع‌رسانی عمومی است و شاه آن را توسط یکی از افراد نزدیک به خود مانند وزیر خلوت صادر می‌کرد. لذا صدور این فرمان از طریق دیوان دولتی صورت نمی‌گرفت.

کلیدواژه‌ها

اسناد، ملفوفه فرمان، دستخط، فرمان، قاجار

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و چهارم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۳) ۶۶، ۸۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۱



شناخت و بررسی ملفوفه فرمان در دوره قاجار

علیرضا نیک‌نژاد^۱ | مرتضی نورائی^۲ | مرتضی دهقان‌نژاد^۳

مقدمه

امروزه، اسناد نقش مهمی در بررسی اوضاع اجتماعی، سیاسی، و حقوقی ایران، به‌ویژه عصر قاجار دارد. اسناد، بدون شک، یکی از منابع اصلی و مهم در تحقیقات تاریخی هستند و به چهار دسته سلطانیات، دیوانیات، اسناد مالی-قضایی و اخوانیات تقسیم می‌شوند. سلطانیات؛ به اوامر مکتوب سلاطین و شاهان در دوره‌های تاریخی گفته می‌شود (مستوفی ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۰). در دوره قاجار، به اوامر و دستورات مکتوب شاهان، فرمان می‌گفتند، و اوامر مکتوبی را که آراسته و با تصدیقات باشد [نیز] فرمان می‌گفتند (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۴).

در پژوهش حاضر، نوع دیگری از اسناد و اوامر سلطانی دوره قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد. این سند از چند جهت در بررسی اوضاع دوره قاجار حائز اهمیت است. نخست اینکه، از جانب شاهان قاجاری صادر می‌شد؛ دوم اینکه از جنبه‌های سندشناختی قابل بازشناسی و بازخوانی است؛ و سوم آنکه درآمدی تاریخی در بررسی اوضاع اجتماعی عصر قاجار است.

مسئله اساسی پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. ملفوفه فرمان چیست؟
۲. سیمای بیرونی ملفوفجات دارای چه ساختاری و چه تصدیقاتی است؟
۳. کارکرد و تحلیل آن چیست؟
۴. تفاوت آن با فرمان در چیست؟

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی
دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
(نویسنده مسئول)
alireza.niknejad@yahoo.com

۲. استاد تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان،
ایران mortezannouraei@yahoo.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان،
اصفهان، ایران
mdehqannejad@yahoo.com



ملفوفجات و دستخط‌ها از لحاظ دسته‌بندی جزء سلطانیات‌اند. از این اصطلاح فقط در دوره قاجار در مورد نوع خاصی از اوامر مکتوب شاهان استفاده می‌کردند. این موضوع مورد توجه محققان و مورخان قرار نگرفته و درباره سیمای بیرونی و محتوای درونی، زمینه‌های فراوانی برای پژوهش باقی است. مهم‌ترین و محدود تحقیقاتی که موضوع ملفوفه‌فرمان را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند، منحصر به چند کتاب و لغت‌نامه است و آنها عبارت‌اند از: شرح زندگانی من، اثر عبدالله مستوفی؛ فروغستان، نوشته محمدمهدی فروغ‌اصفهانی؛ فرهنگ‌نویسی از ناظم‌الاطبا؛ و کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، اثر جهانگیر قائم‌مقامی.

مقاله حاضر، به معرفی و شناخت و بررسی و شرح مؤلفه‌های ملفوفه‌فرمان، سیمای بیرونی و سپس محتوای آن پرداخته است.

مشخص نیست ریشه ملفوفه‌فرمان از کجاست و از چه تاریخی این نوع سند مرسوم شد و مدارک و مستندات وجود ندارد که آیا مربوط به دوره قاجار است یا اینکه قبل از دوره قاجار هم چنین سندی وجود داشته است و اگر این نوع سند سلطانی در دوره‌های تاریخی گذشته هم وجود داشته به آن چه می‌گفتند. به همین دلیل نمی‌توان نظر قاطعی در این زمینه داد. ولی نخستین باری که در دوره قاجار اسمی از ملفوفه‌فرمان برده می‌شود، اثر دو جلدی خاوری شیرازی، موسوم به تاریخ ذوالقرنین است (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۵۰۹، ۲۴۳). در منشآت قائم‌مقام‌فراهانی، سواد ملفوفه‌فرمانی از فتحعلی‌شاه به خط میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام‌فراهانی، در ۱۲۴۳ ق. که سال مصالحه با روسیه بوده، نوشته شده است (فراهانی، ۱۳۷۳، صص ۴۴-۴۷). بنابراین، نخستین باری که اصطلاح ملفوفه‌فرمان به کار رفته در دوره فتحعلی‌شاه است و قبل از آن چنین اصطلاحی وجود نداشته است. ناگفته نماند در دوره افشاریه به ملفوفه‌فرمان، «رقم عتاب» می‌گفتند و با فعل «بداند» و «بدانند» شروع می‌شد. البته، نویسنده، اصطلاح «فرمان» را به جای رقم عتابی به کار می‌برد (استرآبادی، ۱۳۸۳، صص ۷۵، ۸۲، ۸۶). در دوره صفویه، به ملفوفه‌فرمان مورد نظر ما «رقم بیاضی» می‌گفتند که به امر شاه نوشته ولی ثبت دفتر نمی‌شد (مینورسکی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۱).

تعریف ملفوفه‌فرمان و دستخط

ملفوفه‌فرمان، یکی از اسناد سلطانیات دوره قاجار است و مانند فرمان، به اوامر و دستورات مکتوب شاهان قاجار گفته می‌شد؛ به عبارتی، به اوامر و دستوراتی که بدون علامت موشح سلطان باشد، ملفوفه‌فرمان می‌گویند (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۴). کلمه ملفوفه در

لغت نامه دهخدا به معنی «در نور دیده و پیچیده و فراهم آورده و تافته و لوله شده است» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۴۷۶) و نیز از لحاظ لغوی در فرهنگ نفیسی چنین آمده است: «مأخوذ از تازی، ملفوف، پیچیده، و لفاف شده و لفاف کرده و احاطه شده، در جوف گذاشته، مجموع و لفاف» (نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۵، ص ۳۴۹۹). به نظر می‌رسد ملفوفه، فرمان یا نامه‌ای پیچیده یا مهر و موم شده است که فقط مخاطب یا وصول کننده، می‌توانست آن را باز کند (گروسی، ۱۳۸۵، ص ۹۶).

«فرمان پادشاهی که قطع آن کوچکتر از فرمان باشد و به مهر کوچک پادشاه مهر شده و مقید به ثبت در دفاتر نباشد» (نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۵، ص ۳۴۹۹). کتاب فروغستان، در ۱۲۵۸ق. و در زمان سلطنت محمدشاه، توسط یکی از مستوفیان دیوانی به نام محمد مهدی فروغ اصفهانی نوشته شده و دانشنامه‌ای در فن سیاق و استیفا است. در فرد هشتم این کتاب، ملفوفه فرمان را این چنین آورده است: «اگر حکمی از جانب سلطان صادر گردد و موشح به علامات نباشد، آن را ملفوفه فرمان و دستخط می‌نامند» (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۴).

جهانگیر قائم مقامی، فرمان‌های دوره قاجار را به دو دسته تقسیم می‌کند، ولی در این تقسیم‌بندی اسمی از ملفوفه فرمان نمی‌برد. باین حال، دسته دوم فرمان‌ها، چنانکه از تعریفش برمی‌آید، ملفوفه فرمان است؛ زیرا قائم مقامی دسته دوم فرمان‌ها را عتابی و خطابی معرفی می‌کند و می‌گوید این فرمان‌ها فاقد طغرا هستند و بیشتر جنبه راهکارهای پادشاه به وصول کننده یا گیرنده فرمان را دارند یا شامل رویه و سلوک و دستورالعمل هستند و با کلمه «بداند» توصیه و سفارش یا خواسته پادشاه را می‌نوشتند (قائم مقامی، ۱۳۵۰، صص ۴۶-۴۷). عبدالله مستوفی، در کتاب شرح زندگانی من، مفصل‌تر از بقیه، اصطلاح ملفوفه فرمان را توضیح داده است. مستوفی معتقد است که شاهان غیر از فرمان، دستور کتبی دیگری به نام ملفوفه فرمان داشتند و علت صدور آن تحقیق و تفحص در امری خاص بود و چون امکان داشت مهم و محرمانه باشد، مهر و موم شده به دست گیرنده می‌رسید، به همین جهت آن را ملفوفه فرمان می‌نامند و آن را بر روی کاغذی کوچک‌تر از کاغذهای فرمان‌ها و عامیانه‌تر می‌نوشتند و به صحه شاه و صدراعظم می‌رساندند. ملفوفه فرمان گاهی اوقات حالت بخشنامه‌ای داشت که می‌بایست به تمام حکام ایالات ابلاغ می‌گردید (۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۰). به همین علت، رونوشت متعدد از روی یک نسخه با عنوان مخصوص هر ایالت ارسال می‌کردند. مستوفی، در ادامه می‌گوید پادشاه، رقم دیگری به نام دستخط داشت که عبارت بود از اوامر خصوصی پادشاه که امکان داشت به خط خودش یا به خط منشی مخصوصش باشد (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۰).

از زمان مظفرالدین شاه، کم کم به جای ملفوفه فرمان، واژه دستخط به کار می‌رفت و در زمان احمدشاه فقط از واژه دستخط در مورد اینگونه سلطانیات استفاده می‌کردند (متما، ۰-۶۳۸۱). فروغ اصفهانی هم این دو واژه را یکی می‌داند (فروغ اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۴). البته، گفته مستوفی در مورد اینکه ممکن بود ملفوفه فرمان به خط خود شاه باشد قابل تأیید است، زیرا نمونه‌ای در این زمینه وجود دارد که به خط خود ناصرالدین شاه است و ملفوفه فرمانی است با موضوع واگذاری حکومت گیلان به علاءالدوله (ساکما، ۱۲۸۱۴-۲۹۶).

به طوری که از مقایسه تعاریفی که در بالا از ملفوفه فرمان آمد، تعریف مستوفی کامل تر از سایر منابع است. ولی بقیه نیز بخشی از ترکیبات ملفوفه فرمان را توضیح می‌دهند و چنین برمی‌آید که ملفوفه فرمان صورت دیگری از فرمان بوده است و نمی‌توان گفت از لحاظ اهمیت در درجه پائین تری از فرمان قرار داشتند. چنانکه چند طغرا ملفوفه فرمان‌ها از ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه وجود دارد که از نظر حقوقی و اجتماعی و سیاسی مانند ملفوفه فرمان مشروطیت بسیار با اهمیت است (آرشیو خانوادگی اصغر مهدوی) و بعضی دیگر حاوی اهمیت نیستند.

در عین حال، در بعضی از این ملفوفه فرمان‌ها به جای واژه ملفوفه فرمان واژه «منشور، دستور همایون، حکم، خطاب مستطاب، حکم همایون و همایون منشور» آمده است (ساکما، ۴۵۴-۲۹۶).

بنابراین، هر ملفوفه فرمانی مانند فرمان، مرکب از دو جزء متن و سیمای بیرونی یا تصدیقات است؛ سیمای بیرونی آن مرکب است از: تحمیدیه، مهر، توشیح، تاریخ صدور، ظهریه، و طغرا.

متن ملفوفه فرمان

بخش بالای ملفوفه فرمان، خطابیه شاه بود و همانند فرمان‌ها، گیرنده را با القاب مورد خطاب قرار می‌دادند: «عمدة الخوانین العظام، مقرب الخاقان فدوی دولت جاوید ارتسام، محمد قاسم خان والی گیلان بمراحم علیه پادشاهی مفتخر بوده» (ساکما، ۱۸۹۱۲-۲۹۶). ولی اگر ملفوفه فرمان جنبه عمومی یا به قول مستوفی حالت بخشنامه‌ای یا متحدالمال داشت مقدمه را اینگونه می‌آوردند: «عالیجاهان عزت همراهان اعز و اعیان و اعظام و اشراف و عموم کدخدایان و رعایای مازندران بخطاب مستطاب همایون برقرار بوده» (ساکما، ۵۵۷۲-۲۹۶) و چنانچه مخاطب یکی از شاهزادگان یا ولیعهد بود، لحن مقدمه عوض می‌شد و بسیار دوستانه نوشته می‌شد: «فروزنده اختر برج جلالت جهانداری و درخشنده گوهر درج سلطنت و تاجدار ثمره مشجر ابهت و شهریاری فرزند اعز ارجمند سعادت مند ولیعهد دولت گردون

معزز بوده» (آرشیو مرکز نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۸۷). نمونه دیگری نیز موجود است که فقط اسم شخص بدون لقب آمده است: «عضدالملک» (متما، ۸۱۳۰). بنابراین، در هر ملفوفه فرمان، بعد از ذکر القاب و نام شخص با فعل «بداند» منظور اصلی صدور آن شروع می‌شد، ولی یک استثنا در ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به عضدالملک مشاهده شد و به جای بداند فعل «میدانی» آمد. به نظر می‌رسد، چون عضدالملک از نزدیکان ناصرالدین شاه بود، ناصرالدین شاه اینگونه خودمانی نوشته شده است (متما، ۸۱۳۰). متن ملفوفه فرمان، طولانی‌ترین قسمت ملفوفه فرمان بود، ولی در دوره احمدشاه از طول و تفصیل کمتری برخوردار بود. یادآور می‌شود که در همه حال، متن ملفوفه فرمان طولانی‌تر از متن فرمان‌ها است.

متن ملفوفه فرمان، برخلاف متن فرمان، از لحاظ ادبی در درجه پائین‌تری قرار داشت و فاقد معلق‌نویسی بود. در ملفوفه فرمان ممکن بود شاه، خاطیان یا مخاطبان را با عبارت کيفری و عتابی هشدار دهد (آرشیو مرکز نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۲۸).

قسمت انسی یا مؤخره فرمان، قسمت انتهایی فرمان بود، که حالت دستوری به دستگاه‌های مجری و شامل تاریخ و دعای پایانی بود. قائم‌مقامی در اینجا دچار اشتباه شده است و می‌گوید: «مطالب خاتمه‌ها گاهی عبارت از دستور و توصیه و سفارشی به عمال دولت و گاهی حاوی آرزو و گاهی متضمن دعا بوده است» (۱۳۵۰، ص ۴۷)؛ زیرا خاتمه فرمان با ملفوفه فرمان متفاوت بوده است، خاتمه فرمان در خطاب به دستگاه‌هایی که موظف بودند مفاد فرمان را به اجرا بگذارند، بوده است، نه متضمن دعا و رجاء (آرشیو مرکز نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۱۲۹)؛ ولی خاتمه ملفوفه فرمان در خطاب به یک شخص بود که ممکن بود حاکم ایالتی یا یک شخصی که عریضه‌ای را به شاه می‌نوشت باشد. شاه با آوردن «موافق این ملفوفه فرمان» خواسته خویش یا غرض صدور این ملفوفه فرمان را اشاره می‌کرد و در پایان ملفوفه فرمان اینگونه می‌آورد: «حسب‌المقرر مرتب دارد و در عهده شناسد» (ساکما، ۱۸۹۱۲-۲۹۶).

سیمای بیرونی ملفوفه فرمان و دستخط

۱. تحمیدیه

از بین ملفوفه فرمان‌ها، تنها دو طغرا از آن مشاهده شد که دارای تحمیدیه است و هر دو طغرا متعلق به محمدشاه است. تحمیدیه یکی از این دو طغرا با عبارت «هو‌العلی‌الغالب» (ساکما، ۱۳۵۹-۲۹۶) و دیگری با تحمیدیه «هو‌الله» (ساکما، ۶۹۴۵-۲۹۶) آمده است.

نمونه‌های دیگری از ملفوفه فرمان یا دستخط با تحمیدیه تاکنون مشاهده نشد.

۲. مهر

استفاده از مهر در اسناد دیوانی و سلطانی از گذشته مرسوم و دارای ضوابط و قواعدی خاصی در نظام دیوانی بود. هریک از شاهان و دیوانیان مهر مخصوص به خود داشتند، یعنی مهر هریک از شاهان، سجعی متفاوت داشت. اطلاعات ما از مهر و آداب و قواعد آن در دوره قاجار برخلاف دوره صفویه بسیار اندک است. اطلاعات ما از مهر و قواعد مهرگذاری و اداره مهرداری از کتاب‌های اعتمادالسلطنه و شرح زندگانی من عبدالله مستوفی است. سجع مهر شاهان قاجار با اندکی تغییر، الهام گرفته از مضامین مهرهای شاهان صفوی، با مضامین اسلامی و متأثر از شعائر مذهبی بود. به عبارتی، ویژگی‌ها و آداب و خصوصیات فنی مهرهای دوره قاجار با سنن مهرداری دوره‌های پیشین، به‌ویژه عصر صفویه پیوند خورده است و در واقع مهر و اداره مهرداری دوره قاجار دنباله مهرداری عصر صفویه است. تغییراتی که در این دوره زمانی در مهرها وجود دارد، بیشتر مربوط به خصوصیات شکلی و ترکیب مهرهاست. آنچه در اینجا منظور نظر است، مهر شاهان بر روی ملفوفه فرمان است و به این پرسش‌ها پرداخته خواهد شد:

۱. علت حک نمودن مهر در روی ملفوفه فرمان چه بود؟
۲. مهر شاهان قاجار از لحاظ شکلی چگونه بود؟
۳. مهر را در کجای ملفوفه فرمان حک می‌کردند؟
۴. سجع مهر ملفوفه فرمان‌ها دارای چه مضمونی بود؟
۵. چه کسی مهرگذاری ملفوفه فرمان‌ها را بر عهده داشت؟
۶. آیا مهرداری منصبی محسوب می‌شد؟ و
۷. آیا مهرداری زیر نظر اداره خاصی بود؟

با جلوس شاه جدید به تخت سلطنت، ملک الشعرا یا شاعر دربار، شعری را برای سجع مهر فرمان‌ها می‌سرود (افضل الملک، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۱). مهر ملفوفه فرمان شاهان سلسله قاجار را در صدر فرمان حک می‌نمودند. قائم مقامی، سجع مهر همه شاهان را آورده است، ولی اشاره نمی‌کند مهرهای با سجع «السلطان بن السلطان» مهر ملفوفه فرمان است نه مهر فرمان‌ها. در خصوص مهر ملفوفه فرمان، فقط نفیسی اشاره می‌کند که مهر ملفوفه فرمان شاهان قاجار کوچک بود (۱۳۴۳، ج ۵، ص ۳۴۹۹)، ولی در جایی اشاره نشده است که این مهر کوچک شاهان دارای چه سجعی بوده است. سجع مهر ملفوفه فرمان، همانند نوشته بر روی سکه‌ای بود که با جلوس شاه جدید در ضرابخانه می‌زدند (افضل الملک، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۵).
از سجع مهرهای ملفوفه فرمان‌های شاهان قاجار تنها این مهرها به دست آمده است:

۱. «سلطان فتحعلی» (قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۸۵)؛ و
۲. از محمدشاه چهار نوع مهر ملفوفه فرمان وجود دارد:
الف. «هو العلی الغالب، السلطان بن السلطان محمدشاه غازی» (متما، ۰-۰-۷۱۳۳ و ساکماق، ۱۱۸۱۹۰۰۲۱)؛
- ب. «هو ولایت علی، السلطان بن السلطان محمدشاه غازی» (قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۹۲)؛
- ج. «هو الله تعالی - السلطان بن السلطان محمدشاه غازی» (آرشیو مرکز نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۲۸)؛ و
- د. سجع مهری با مضمون «العهز لله السلطان محمدشاه قاجار» (ساکماق، ۱۱۸۱۹۰۰۱۹).



۳. دو نوع مهر بر ملفوفه فرمان های ناصرالدین شاه مشاهده شد:
الف. یکی با سجع «الملک لله - السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار» (ساکما، ۱۸۹۱۲-۲۹۶)؛
- ب. و دیگری با سجع «العهز لله - السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار» (متما، ق-۰ - ۸۱۳۰-).



۴. سجع مهر ملفوفه فرمان های مظفرالدین شاه همانند سجع مهر ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه بوده است (ساکماق، ۲۶۰۰؛ قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴۰۳).

۵. سجع مهر دستخط محمدعلی شاه اینگونه بود:
الف. «هو العلی - السلطان محمدعلی شاه قاجار» (قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴۰۷).



ب. یکی دیگر از مهرهای دستخط محمدعلی شاه به شکل و سجع زیر است:
«هو - محمدعلی شاه قاجار» (متما، ۰ - ۶۸۵۵ - ۱).

۶. از دستخطهای احمدشاه چهار مهر با سجع «الملک لله - السلطان بن السلطان احمد شاه قاجار» (متما، ۶۳۸۱ - ۰) و «هو الله - السلطان احمدشاه قاجار» (ساکماق، ۱۱۸۱۹۰۰۰۳۱) و «هو الملک لله سلطان احمدشاه قاجار» به دست آمده است (استادوخ، ۱ - ۵۸ - ۱۳۳۹).



گاهی اوقات در کنار مهر احمدشاه در ملفوفه فرمان یا دستخط، در سمت راست، سجع مهر به صورت دستنوشته می‌آمد. این مورد فقط در دستخطهای احمدشاه متعلق به آرشیو اسناد آستان قدس رضوی مشاهده شده است (ساکماق، ۱۱۸۱۹۰۰۰۳۱ و ۱۱۸۱۹۰۰۰۳۲).

با وجود این، مهرباری یکی از مشاغل مهم ایران دوره صفویه بود. مهربار، ارقام را پس از ثبت دفاتر، به مهر ثبت همایون، که در نزد مهربار بود، در قبال دریافت مبلغی، مهر می نمود (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸، ص ۲۵). در دوره قاجار نیز منصب مهرباری از مشاغل و مناصب مهم و محترم محسوب می شد. شاهان قاجار سعی می کردند نزدیکان و افراد مورد وثوق خود را به این منصب بگمارند. ناصرالدین شاه، علیرضاخان عضدالملک، پسر دایی و از افراد مورد اطمینان خود را در سال ۱۲۸۵ ق. به منصب خازنی مهر انتصاب نمود (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۱۹۰۳-۱۹۰۴). مهرباری از مشاغل پردرآمد دوره قاجار نیز محسوب می گردید، زیرا با صدور هر فرمانی و قبل از اینکه به مهر پادشاه توسط مهربار و زیر دستانش برسد، ایصال کننده آن، لاجرم مبلغی را در ظاهر به عنوان انعام، ولی در اصل به عنوان رشوه، می بایست به مهربار پرداخت می کرد. عین السلطنه، در روزنامه خاطراتش مربوط به سال ۱۳۰۸ ق. می گوید: «فرامین را که داده بودیم دفتری کنند امروز سیاهه آورد قریب سی چهل تومان این چهار فرمان خرج دارد. به هزار معرکه هشتاد تومان چول بردم و ایلخانی به زور از برادرش فرامین را گرفت و حالا هم آنقدر مخارج جهت مهر آقایان دارد. خربازار غریبی است» (سالور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۴). و باز در خاطرات سال ۱۳۱۲ ق. در خصوص انتصاب عزیز السلطان به مهرباری اشاره می کند که شاه این منصب را از عضدالملک به عزیز السلطان واگذار کرد و می نویسد مهرباری از مشاغل خوب این دوره است و از جمله کارهایی است که سالی ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان درآمد بدون دردسر و مسئولیت دارد (۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۴۷). در اداره مهر مهرآثار همایون چند نفر زیر نظر مهربار مشغول کار بودند: حافظ مهر مهرآثار، حامل مهر همایون در سفر و حضور، قراول و شش نفر مستحفظ (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۲۱۱۶).

نگارش ملفوفه فرمان همانند فرمان، توسط دیوان انشا و زیر نظر منشی الممالک انجام می شد، خاوری شیرازی می نویسد: «وزیر دارالانشاء که در عرف دیوانیان معبر از منشی الممالک و کارفرمای تحریر نامه جات و دول خارجه و فرامین قضا آیین و ملفوفات جات قدر تضمین است» (۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۳) و در جای دیگری در مورد خودش اشاره می کند که فتحعلی شاه، وی را به ملفوفه نگاری و کتابت اسرار مخفیة انتصاب نمود (۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۰۹). بعد از تفکیک وظایف، وزیر رسائل خارجه و وظیفه ای داشت که منحصر به وی بود و آن نگارش ملفوفه فرمان بوده است. ناگفته نماند در نگارش و ثبت و امضای ملفوفه فرمان، مستوفی الممالک نقشی نداشت.

گاهی اوقات، شاه فرمان را با دستخط خودش می نوشت. برای مثال، ملفوفه فرمانی از ناصرالدین شاه در آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است که به

دستخط خودش نوشته است. به اوامری که به دستخط شاه نوشته می شد، ملفوفه فرمان و بعد از دوران سلطنت ناصرالدین شاه، دستخط می گفتند (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۷۰). در این ملفوفه فرمان یا دستخط، ناصرالدین شاه، واگذاری اداره حکومت گیلان را به علاءالدوله اعلام کرد. جدا از مهر، از نوع خط مشخص است، که این دستخط را ناصرالدین شاه نوشته است. از مشخصات اینگونه دستخطها یا ملفوفه فرمانها، بدون هر مقدمه‌ای، به طور مستقیم با خواسته شاه «اداره حکومت گیلان را به علاءالدوله مرحمت فرمودیم» آغاز می شود. قسمت بالای دستخط، مهر چهارگوش کوچک شاه بود، که برخلاف مهری است که بر بالای ملفوفه فرمان می زدند (ساکما، ۱۲۸۱۴-۲۹۶).

عبارات مهر، طغرا، ثبت شد، و قلمی شد در ظهیریه فقط برای فرمانهایی بود که به وزارت مالیه ربط داشت یا فرمانهایی که بار مالی داشتند. در حالی که، مستوفی الممالک در صدور و نگارش ملفوفه فرمان، هیچ نقشی نداشت و از آنجاکه ممکن بود ملفوفه فرمان محرمانه باشد یا فقط گیرنده آن باید مجری آن باشد، تشکیلات دیوانی در صدور و اجرای آن نقشی نداشتند، به همین علت، اصولاً وزیر رسایل و صدراعظم و منشی حضور یا وزیر خلوت یا امین خلوت در نگارش و صدور آن نقش داشتند.

مهر و ثبت ملفوفه فرمان با ثبت و صحه فرمانها متفاوت بود. بدین صورت که، ملفوفه فرمان بعد از نگارش، به رؤیت صدراعظم می رسید و صدراعظم مهر خود را بر پشت ملفوفه می زد. همچنین، نمونه‌هایی مشاهده شده است که امین خلوت و وزیر خلوت، ظهیریه ملفوفه فرمان را مهر زده‌اند. همین طور، بعضی اوقات اگر دستخطی جنبه محرمانه داشت با اشاره شاه، توسط منشی حضور نگاشته می شد (امین الدوله، ۱۳۴۱، صص ۵۰ و ۷۵) و سپس به صحه شاه می رسید. بعد از آن، خازن مهر، مهرگذاری می کرد و در کتابهای سیاقی مانند قوانین السیاق کاشانی و بحرالاجواهر شهبهانی، که در مورد دفاتر روزنامه‌چپه و توجیهات و جزآن است و در مورد ثبت فرمانها بحث می کنند، اشاره‌ای به ثبت ملفوفه فرمان نمی کنند (کاشانی، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران: ۲۶۹۰۲-۵؛ شهبهانی، نسخه چاپ سنگی کتابخانه ملی ایران، ۱۸۹۳-۶).



تصویر ۱

مهر صدراعظم امین السلطان
بر ظهیر ملفوفه فرمان

تصویر ۲

مهر وزیر خلوت وکیل الملک بر ظهر ملفوفه فرمان



ثبت ملفوفه فرمان نیز مثل ثبت فرمان‌ها بود، یعنی در کتابچه ثبت فرمان‌ها و ملفوفجات و بروات موجود در آرشیو مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ابتدا فرمان‌های صادره سال خاصی برای مثال، سال ۱۲۹۹ آمده است و پس از اینکه ثبت فرمان‌ها تصدیق همان سال به اتمام می‌رسید، ملفوفجات همان سال را در صفحه دیگر و با شرح آن در زیر دفعات سیاقی می‌آوردند (آرشیو اسناد کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۰۳۶۲ الی ۱۰۳۷۲). در عنوان این مجموعه، کتابچه ثبت فرمان‌ها و ملفوفجات آمده است و اشاره‌ای به اوراچه که سواد فرمان‌ها در آن به ثبت می‌رسید نیامده است، ولی به نظر نگارنده، این کتابچه دفتر مالی اوراچه است. در صفحه نخست این کتابچه اینگونه می‌آمد:

بسم الله الرحمن الرحيم

سررشته فی تخاقوئیل ۱۳۰۲

کتابچه ثبت فرامین و ملفوفجات و بروات موشح همایونی

نهم ذی الحججه

فرامین و ملفوفجات

فرامین

پس از اینکه هر آنچه در تاریخ یاد شده صادر شده بود، سواد فرمان‌ها را زیر دفعات می‌نوشتند و پس از اتمام فرمان‌ها در ابتدای صفحه دیگر، سواد ملفوفجات را زیر دفعه و رقم سیاقی می‌آوردند (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۰۳۶۲).

محتوای ملفوفجات و دستخط‌ها

ملفوفه فرمان‌ها بنابر محتوا و عوامل صدور دارای انواع مختلف است:

رفع دعاوی ملکی، ملفوفجات برای اطلاع‌رسانی حکام و مباشران و کدخدایان

ایالات، ملفوفه فرمان مباهی، ملفوفه فرمان رویه و دستورالعمل حکومتی، ملفوفه فرمان اعطایی و اگذاری مقامی یا عطیۀ سیاسی، ملفوفه فرمان اعطای خلعت در زمان شاهان متأخر قاجار، ملفوفه فرمان حقوقی و اجتماعی، ملفوفجات یا دستخط‌های اعلام همکاری و مأموریت، ملفوفجات عتابی و خطابی، دستخط‌های ابلاغی، دستخط‌ها یا ملفوفجات اعلام و انتخاب ولیعهدی، و جز آن. ناگفته نماند همان‌طور که گفته شد، بسیاری از این ملفوفجات در دوره شاهان متقدم قاجار در سیمای فرمان آمده است.

از مجموع تعداد ملفوفجات، تعداد ۸۳ طغرای ملفوفجات و دستخط‌ها در اینجا مورد بررسی قرار گرفت که از این میان بیشترین آن به تعداد ۵۴ طغرا توسط ناصرالدین‌شاه تولید شد و کمترین آن که یک طغرا از فتحعلی‌شاه بوده است. لازم به ذکر است که با استناد به مجموع و تعداد داده‌های اطلاعاتی به نظر می‌رسد که طولانی‌تر بودن سلطنت ناصرالدین‌شاه موجب تولید زیاد ملفوفجات می‌باشد.

با جلوس احمدشاه به سلطنت، تغییر کلی در شکل و محتوای ملفوفه فرمان به وجود آمد. از نظر شکلی دستخط‌های احمدشاه، برخلاف ملفوفه فرمان‌های شاهان قبل بسیار خلاصه است و دیگر آن طول و تفصیلی که ملفوفه فرمان‌های قبلی داشتند، مشاهده نمی‌شود. نکته دیگر آنکه، چند طغرای دستخط از زمان احمدشاه وجود دارد که به توشیح نایب‌السلطنه است (متما، ۶۳۷۳-۰). به نظر می‌رسد قبل از تاج‌گذاری و همچنین در زمان سفر احمدشاه به فرنگ، فرمان‌ها و ملفوفجات، توسط نایب‌السلطنه صادر می‌شد. توشیح نایب‌السلطنه بر بعضی از این دستخط‌ها، برخلاف دستخط‌های شاهان، در پایین سمت چپ خط دوم گذاشته شده است. نکته دیگری که در مورد دستخط‌های احمدشاه برخلاف دستخط‌ها و ملفوفه فرمان‌ها قبلی وجود دارد، عدم درج تاریخ صدور دستخط است (متما، ۶۳۷۳-۰). نکته حائز اهمیت که در دستخط‌های احمدشاه مشاهده می‌شود، این است که دستخط‌های وی، مانند ملفوفه فرمان‌های شاهان قبل از او، دیگر حالت عتابی ندارد و دلیل آن را باید تأثیر حکومت مشروطه و مجلس شورا و هیئت وزراء دانست. مطلع دستخط احمد شاه اینگونه بود: «نظر به تصویب جناب اشرف‌مشیرالدوله رئیس‌الوزراء و وزیر داخله مقرر می‌داریم» (متما، ۶۳۸۱-۰). در حالی که، در ملفوفه فرمان‌های پادشاهان قبل، مطلع آن با فعل عتابی «بداند» شروع می‌شد و آن در خطاب به مأمور یا مأموران اجرای آن دستخط که ممکن بود جنبه شخصی یا عمومی و بخشنامه‌ای داشته باشد، ولی در دستخط‌های احمدشاه در سطر آخر اینگونه آمده است: «ماده ۲ یا فلان - و عموم وزراء مأمور اجرای این دستخط هستند» (متما، ۶۷۱۷-۰). دلیل این موضوع را همان‌طور که گفته شد باید در برقراری حکومت مشروطه در ایران و کاهش استبداد جست‌وجو

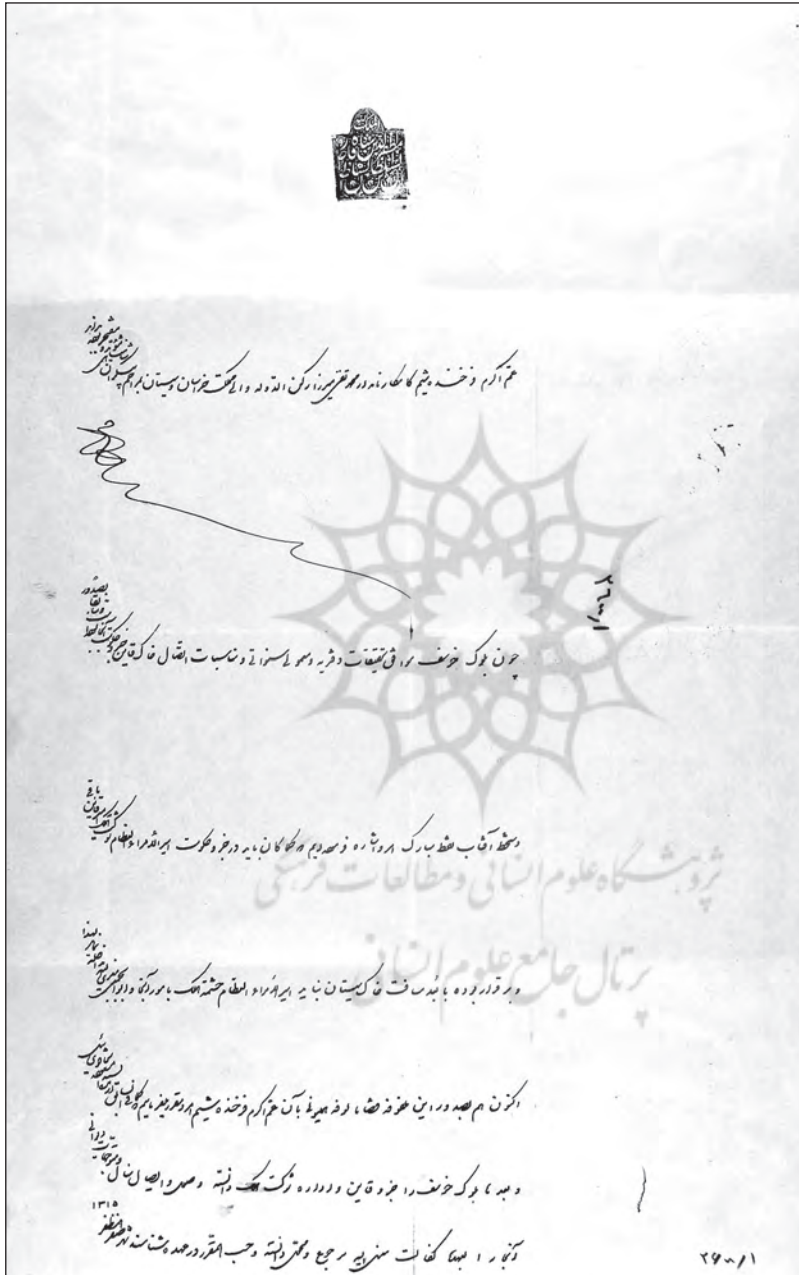
کرد. تغییر دیگری که در این زمینه به وجود آمد این بود که از زمان محمدعلی شاه و احمدشاه واژه ملفوفه فرمان به کار برده نمی شد، بلکه واژه دستخط را به جای آن استفاده می کردند (متما، ۶۷۱۷-۰). در صورتی که چنانچه پادشاه در سفر بود و در کشور حضور نداشت، نایب السلطنه به جای وی ملفوفه فرمان را توشیح می نمود، با این تفاوت که به جای مهر پادشاه، مهر خودش را بر ملفوفه فرمان حک می نمود (ساکما، ۲۲۴۷-۲۹۶).

توشیح

نخستین باری که با اصطلاح و کلمه توشیح در اسناد و منابع مواجه می شویم دوره قاجار و زمان محمدشاه است؛ زیرا از زمان محمدشاه است که فرمانها توشیح می شد. فرمانهای آقا محمدخان و فتحعلی شاه بدون توشیح اند. بعد از شکل گیری دستگاه دیوانی سلسله قاجار، در زمان محمدشاه، فرمان به توشیح و امضای وی می رسید (متما، پ ۰-۱۲-۶۰-۱). ناگفته نماند بعضی از فرمانهای محمدشاه بدون توشیح هستند (متما، پ ۰-۰-۷۱۳۲-۱). توشیح، در نهایت، در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به امضا ختم شد. توشیح، در واقع، صحه یا تأیید شاه بر فرمان یا ملفوفه فرمان صادره بود و تا فرمان یا ملفوفه فرمانی توسط شاه توشیح نمی شد به مرحله اجرا در نمی آمد، زیرا اگر توشیح نمی شد، مهر شاه بر آن زده نمی شد و به همین دلیل فاقد اعتبار بود.

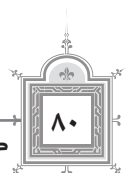
در زمان احمدشاه، چنانکه درباره تحمیدیه و طغرا گفته شد، نایب السلطنه به جای وی اسناد را با عبارت «ملاحظه شد» صحه می گذاشت (ساکما، ۲۱۴۴۱-۲۴۰). و در کنار آن می نوشت: «از طرف قرین الشرف ملوکانه روحنا فداه» (ساکما، ۱۱۸۱۹۰۰۳۲). همچنین، مشاهده شده که بعضی از فرمانهای احمد شاه بدون توشیح اند (ساکما، ۱۱۸۱۹۰۰۳۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



تصویر ۱

نمونه‌ای از یک ملفوفه فرمان از مظفرالدین شاه



نتیجه گیری و پیشنهاد

با توجه به آنچه گفته شد، می توان چنین تشخیص داد که ملفوفه فرمان و دستخط، اسناد سلطانی مهمی هستند که حاوی اطلاعات ارزشمندی در بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، و حقوقی در ایران قرن سیزدهم می باشند. با توجه به اهمیت آن و عدم استفاده از آن در تحقیقات عصر قاجار، بهتر است مورد نقد و استفاده در تحلیل و تحقیق تاریخ پژوهان قرار گیرد. با بررسی ملفوفجات معلوم شد که این نوع سند سلطانی دارای دو جنبه محرمانه و اطلاع رسانی عمومی است. بررسی ملفوفجات نشان می دهد که صدور این سند ربطی به دستگاه دیوانی نداشته است، بلکه شاه توسط یکی از افراد نزدیک خود، صدراعظم یا وزیر خلوت آن را صادر می کرد.

یافته ها نشان می دهد که ملفوفجات و دستخطها، با توجه به کمبود منابع در زمینه اوضاع اجتماعی ایران در عصر قاجار، می تواند مورد محک و پژوهش جدی قرار گیرد. بنابراین، پیشنهاد می شود فهرست نویسان سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران این نوع سند سلطانی را به صورت جداگانه - نه ذیل فرمان - تنظیم و پردازش کنند. همچنین، پیشنهاد می شود که گروه های تاریخ دانشگاه ها این نوع سند را مورد پژوهش قرار دهند.

منابع

اسناد

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایرن (متما)؛ دستخط احمد شاه به وزارت مالیه و وزارت پست و تلگراف، بی تا، ۶۳۸۱.

-----؛ ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به عضدالملک، ۱۲۹۰ ه. ق، ۸۱۳۰

-----؛ دستخط محمدعلی شاه به امین السلطان، ۱۳۲۵ ه. ق، ۶۸۵۵.

-----؛ دستخط احمدشاه به مشیرالدوله، بی تا، ۶۳۸۱.

-----؛ دستخط احمدشاه به عموم وزراء، بی تا، ۶۷۱۷.

-----؛ فرمان محمدشاه به یعقوبعلی خان، ۱۲۶۰ ه. ق، ۶۳۷۳.

-----؛ فرمان محمد شاه به محمود خان، ۱۲۵۵ ه. ق، ۶۰۱۲.

-----؛ ظهر فرمان محمد شاه، بی تا، ۷۱۳۲.

اسناد مرکز نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به مظفرالدین میرزا، ۱۳۱۱ ه. ق، ۸۷.

-----؛ ملفوفه فرمان محمد شاه به گرگین خان،

۱۲۶۳ ه. ق، ۲۲۸.

-----؛ فرمان احمد شاه، ۱۳۳۳ ه. ق، ۱۲۹.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)؛ دستخط ناصرالدین شاه به علاء الدوله، بی تا، ۱۲۸۱۴-۲۹۶.

: ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به میرزا عبدالله مستوفی، ۱۲۷۹ ه.
ق، ۴۵۴-۲۹۶.
- : ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به آذربایجان، بی تا، ۲۲۸۸۳-۲۴۰.

: ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به مظفرالدین میرزای ولیعهد،
۱۲۸۸ ه. ق، ۱۴۴-۳۱-۷.
- : ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به محمد قاسم خان، ۱۲۷۹ ه. ق،
۱۸۹۱۲-۲۹۶.
- : ملفوفه فرمان ناصرالدین شاه به عموم حکام و مردم مازندران،
بی تا، ۵۵۷۲، ۲۹۶.
- : ملفوفه فرمان محمد شاه به خانلر میرزا، ۱۲۶۳ ه. ق، ۱۳۵۹-
۲۹۶.
- : ملفوفه فرمان محمد شاه به عموم حکام و عمال، ۱۲۶۴ ه. ق،
۶۹۴۵-۲۹۶.
- : دستخط احمد شاه، بی تا، ۲۲۴۷-۲۹۶.

: ملفوفه فرمان ولیعهد، ۱۳۲۴ ه. ق، ۱۶۱۹۴-۲۴۰

: فرمان احمد شاه به وراث ابراهیم خان بنا، ۱۳۲۸ ه. ق،
۲۱۴۴۱-۲۴۰.
- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکما)؛ ملفوفه فرمان محمدشاه به
آصف‌الدوله، ۱۲۵۵ ه. ق، ۱۱۸۱۹۰۰۰۲۱.
- : ملفوفه فرمان محمدشاه به
عموم حکام، ۱۲۵۱ ه. ق، ۱۱۸۱۹۰۰۰۱۹.
- : دستخط احمدشاه به مرتضی
قلیخان متولی، ۱۳۳۶ ه. ق، ۱۱۸۱۹۰۰۰۳۱.
- : دستخط احمدشاه به مرتضی
قلیخان متولی، ۱۳۴۳ ه. ق، ۱۱۸۱۹۰۰۰۳۲.
- : ملفوفه فرمان مظفرالدین شاه به
محمد تقی میرزا رکن الدوله، ۱۳۱۵ ه. ق، ۲۶۰۰.
- : مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (متما)؛ دستخط احمد شاه به خانم کاندرا تیف، ۱۳۳۹ ه.
ق، ۱-۵۸-۱۳۳۹.
- - آرشیو اسناد کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۰۳۶۲ الی ۱۰۳۷۲
آرشیو اسناد خانوادگی امین الضرب؛ بدون شماره.

کتابها

- آملی، شمس‌الدین محمد (۱۳۸۹). *نفائس الفنون فی عرایس العیون* (ج۳). (ج۳). (ابوالحسن شعرانی، مصحح). تهران: اسلامیه.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۸۳). *گزیده منشآت (نصراالله بیات، کوششگر)*. تهران: وزارت امور خارجه.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری* (ج۳). (محمد اسماعیل رضوانی، مصحح). تهران: دنیای کتاب.
- افضل الملک، غلامحسین خان (۱۳۶۱). *افضل التواریخ* (ج۵). تهران: نشر تاریخ ایران.
- امین‌الدوله، علی خان (۱۳۴۱). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله* (حافظ فرمانفر مائیان، کوششگر). تهران: امیرکبیر.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین* (ج۲). (ناصر افشار فر، مصحح). تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا* (ج۹). تهران: دانشگاه تهران.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه* (ج۱). (مسعود سالور و ایرج افشار، کوششگران). تهران: اساطیر.
- فروغ اصفهانی، محمد مهدی (۱۳۷۸). *فروغستان* (ایرج افشار، کوششگر). تهران: میراث مکتوب.
- فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۳). *منشآت* (ج۲). (سید بدرالدین یغمائی، کوششگر). تهران: شرق.
- نفیسی ناظم‌الاطباء، علی اکبر (۱۳۴۳). *فرهنگ نفیسی* (ج۵). تهران: خیام.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۶). *شرح زندگانی من* (ج۳). تهران: هرمنس.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). *مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸). *تذکره الملوک* (ج۲). (محمد دبیر سیاقی، کوششگر). تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی (۱۳۶۸). *سازمان اداری حکومت صفوی* (ج۲). تهران: امیرکبیر.
- گروسی، امیر نظام (۱۳۸۵). *منشآت* (علی محمدی برنجه، کوششگر). تهران: سیب سبز.
- شهشهبانی، عبدالوهاب؛ *بحر الجواهر فی علم الدفاتر* (نسخه چاپ سنگی)، کتابخانه ملی ایران، ش ۱۸۹۳-۶.
- شیبانی، محمد کاظم؛ *قوانین السیاق*، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۲۵۵ ه.ق، ش ۱۰۱-ب.